

قدرتِ نرم

یکی از بُنمایه های توانمندی ملی، قدرتِ نرم است:
شناخت (تعریف):

قدرت نرم به توانایی دگرگون کردن آنچه دیگران می اندیشند و انجام این کار از راه کشش و اقناع به جای اجبار و زور است. البته کارشناسان هنوز در زمینه نشان دادن تعریفی یکسان از قدرت نرم همداستان نیستند و در این زمینه میان ایشان اختلاف نظر هست.

«جوزف نای (Joseph Nye) «اولین کسی است که واژه قدرت نرم را اختراع کرد.

تعریفی که او از قدرت نرم ارائه داده عبارت است از:

«واداشتن دیگران به این که نتایجی که شما می خواهید را بخواهند».

جوزف نای می گوید که قدرت نرم، به همکاری گرفتن و یارگیری افراد به جای ناگزیر کردن ایشان با زور و هراساندن (برخلاف میل شان) برای انجام کاری است.

نای درمی یابد که پایه قدرت نرم شکل دادن به ترجیحات دیگران است. در این زمینه منابع (یا فرهنگ یا قوانین یا نهادها) در گزینش اثربخشی قدرت نرم بسیار مهم اند. منابعی که قدرت نرم را می سازند بیشتر از ارزش های یک بازیگر (یا یک سازمان یا یک دولت) پدید می آید. منابع قدرت نرم در چارچوب فرهنگ ابراز می شود (می تواند با روش های گوناگون از جمله بازرگانی، گردشگری، تماس های شخصی، دیدارها و ... منتقل شود).

نای در سراسر کتابش می کوشد ابزار های گوناگون قدرت نرم را نشان دهد. از جمله ابزار قدرت نرم که او به آنها اشاره می کند عبارتند از: دیپلماسی عمومی، سخنرانی ها، شکل دولت، درام و نمایش های تلویزیونی، فیلم، آموزش (مثل دانشگاه ها، کتاب ها و کمک هزینه تحصیلی)، مراکز علمی، فرهنگ و ایده (مثل جهانی شدن و دموکراسی)، ورزش ها و بازی های المپیک، خوراک، موسیقی، مهاجرت، جوایز نوبل، اینترنت، بازی های ویدئویی، سازمان های غیر دولتی، برندها (مثل اتومبیل و وسایل الکترونیکی)، مأموریت های حفظ صلح، کمک به کشورهای در حال توسعه و تنگدست ...

البته تأثیر قدرت نرم شکننده و گیج کننده است. بی ثباتی، هرج و مرج و جنگ از جمله شرایط مختلفی هستند که اثرات قدرت نرم را می کاهند.

مورگنتا بُنمایه های توانمندی ملی را جغرافیا، بُنمایه های سرشتین / منابع طبیعی، گنجایش صنعتی، آمادگی نظامی، شمار مردم، منش ملی، خوی ملی، چگونگی دیپلماسی و چگونگی دولت شناسایی کرد. وی چگونگی دیپلماسی را ارزشمندترین این سازه ها ارزیابی کرد. او نوشت، دیپلماسی یک ملت، «این سازه های گوناگون را

در فراگیری یکپارچه در هم می آمیزد، به آنها سویه و سنگینی درخور می دهد، و با دادن گستره توانمندی راستین، کاراکهای /پتانسیل های خواب آلود آنها را بیدار می کند.»

یکی از ابزارهای قدرت نرم زبان است؛

گسترش زبان فارسی بیرون از ایران

رواج زبان فارسی (نو) و گسترش پیوسته این رواج در گذر چند سده پی در پی در کشورهای پهناوری چون چین، هندوستان و امپراتوری عثمانی را می توان گسترشی برآمده از سرشت این زبان دانست. زیرا هیچ یک از این کشورها هیچگاه زیر فرمانروایی ایران نبودند. درباره هندوستان باید به یاد آورد که تنها کناره باختری کشور هندوستان و آنهم چند سده پیش از رواج سراسری زبان فارسی به عنوان زبان دیوانی، علمی و ادبی این کشور بود.

نکته دیگری که باید به دیده گرفت آن است که رواج فارسی در کشورهای یاد شده در روزگاری روی داد که ایران یا زیر فرمانروایی مردمی نافرمانی زبان بود و یا یکپارچگی سرزمینی خود را از دست داده بود. درباره امپراتوری عثمانی این نکته درخور یادآوری است که دو کشور بیشتر زمانها در جنگ بودند.

۱ - عثمانی:

در سده نهم هجری (پانزدهم میلادی) دربار عثمانی سامانه دیوانی و سازمان اداری سلجوقیان روم، که ساخته و پرداخته راهبری وزیران و دبیران ایرانی بود، بعنوان یک الگوی سیاسی پذیرفتند. شاهان عثمانی در گسترش زبان فارسی، چه در نامه نگاریهای درباری و چه در فرمانهای دیوانی و چه در آفرینش آثار فارسی گویندگان و نویسندگان، جایگاهی بزرگ، همچون فرمانروایان سلجوقی خود، داشته اند.

عثمانیان در آغاز، نامه های دیوانی را، به پیروی از شاهان سلجوقی در روم، به فارسی می نوشتند. منشآت السلاطین احمد فریدون بیگ منشی در سده دهم هجری (شانزدهم میلادی) شمار فراوانی از نامه های رسمی و فارسی پادشاهان عثمانی را، از زمان تیمور تا صفویه، در بردارد. این مجموعه سند ارزشمندی است از جایگاه زبان فارسی در مناسبات سیاسی و روابط دیپلوماسی فرمانروایان این سرزمین که همیشه گروهی از «منشیان بلاغت شعار» را در دستگاه خود داشتند. میراث فرهنگی ایرانی که از ترکان غزنوی به ترکمانان سلجوقی در خاور و از ایشان به هم کیشانان در باختر رسیده بود، اینک بدست ترکان عثمانی در اروپا پخش می شد

برآیند کار و پیامد کار ادبی دربار عثمانی، پرورش گروه بیشماری از شاعران و سخنوران پارسی‌گوی در سرزمینهای آسیائی و اروپائی امپراتوری عثمانی بود که بیش از پانصد سال در گسترش زبان فارسی و رواج فرهنگ ایرانی کوشیدند. تا جایی که نه تنها بسی از شاهان عثمانی خود به فارسی شعر سروده اند که دهها تن فارسی سُرّای و فارسی نویس درون فرمانروی خود پروردند. از آن میان باید از یکسد تن فارسی سرایان بالکان یاد کرد که هفده تن از ایشان دیوانی از خود به یادگار نهاده اند.

